

نکاتی دربارهٔ مقاله «ضرورت تمایز میان فرایند ارتقا و مبتداسازی در زبان فارسی»

مقاله «ضرورت تمایز میان فرایند ارتقا و مبتداسازی در زبان فارسی»، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ داده‌های ساختهٔ مؤلف، اشکال‌های اساسی دارد. با وجود این، مجلهٔ دستور تصمیم گرفت که این دیدگاه را نیز مطرح کند. در ذیل فقط چند نمونه از این اشکال‌ها توضیح داده می‌شود.

به لحاظ نظری، قائل شدن به فرایند ارتقا در زبان فارسی با شروط و اصول همگانی مطرح در زبان‌شناسی زایشی در تعارض است. اگر به دورهٔ نظریهٔ معیار، نظریهٔ معیار گسترده، و نظریهٔ معیار گستردهٔ اصلاح‌شده یعنی مقطعی که اصولاً گشتار ارتقا در زبان‌شناسی زایشی پیشنهاد و بحث شد بازگردیم، درمی‌یابیم که شرطی همگانی با عنوان شرط جملهٔ زماندار^۱ ارتقای فاعل را از درون بند زماندار ناممکن می‌دانست. نمونه‌ای از عملکرد این شرط را می‌توان در مثال‌های زیر مشاهده کرد:

(1) a- It seems that [they have written the letter].

b- * They seem that [t_i have written the letter].

در صورتی که، برگردان این مثال‌ها در زبان فارسی جمله‌های دستوری است:

(۲) الف - به نظر می‌رسد که [آنها نامه را نوشته‌اند].

ب - آنها به نظر می‌رسد که [t_i نامه را نوشته‌اند].

در مقطع نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی یا برنامه کمینه‌گرا، ارتقا در مبحث حرکت گروه اسمی یا حرکت موضوع مطرح می‌شود. در این چارچوب‌های نظری، حرکت گروه اسمی / موضوع - برخلاف حرکت پرسش‌واژه - به قصد دریافت یا بازبینی حالت نحوی انجام می‌گیرد. بر این اساس، از آنجا که گروه اسمی they در بند پیرو در مثال (1a) حالت نحوی فاعلی دارد، نمی‌تواند حرکت کند و در صورتی که حرکت کند ساخت حاصل غیردستوری خواهد بود (1b ←). اما در زبان فارسی چنین حرکتی می‌تواند انجام شود و جمله حاصل نیز دستوری است (قس مثال‌های ۲ الف و ۲ ب). بنابراین، در زبان فارسی حرکت فاعل بند پیرو به قصد دریافت یا بازبینی حالت نمی‌تواند باشد، چون آنها در همان جایگاهی که واقع است دارای حالت است. در زبان انگلیسی، جمله (1a) همزادی دارد که در شماره (3) آمده است:

(3) They seem to have written the letter.

بر اساس مفاهیم و اصطلاحات نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، این جمله از ژ-ساخت^۲ شماره (4) مشتق شده است:

(4) — seem [they to have written the letter].

در این ژ-ساخت فاعل بند پیرو به دو دلیل نمی‌تواند حالت فاعلی دریافت کند: الف) این بند بی‌زمان است و، از این رو، با نشانه مصدر به کار رفته است؛ ب) فعل بند پایه نیز نامفعولی^۳ است، یعنی نمی‌تواند حالت مفعولی به فاعل بند پیرو خود اعطا کند. در نتیجه، فاعل بند پیرو الزاماً حرکت می‌کند و در جایگاه فاعل (دستوری) / نهاد بند پایه می‌نشیند. در آن جایگاه می‌تواند از گره زمان حال بند پایه حالت فاعلی دریافت کند و فقط در این صورت است که جمله حاصل دستوری خواهد بود. این مرحله از اشتقاق نحوی این مثال، که اصطلاحاً ر-ساخت^۴ نامیده می‌شود، در شماره (5) نشان داده شده است:

(5) They_i seem [t_i to have written the letter].

با حذف نشانه رد^۵ از این ر-ساخت، روساخت^۶ مذکور در شماره (3) حاصل می‌شود. برپایه مفاهیم و اصطلاحات برنامه کمینه‌گرا، ساخت شماره (4) مرحله ادغام^۶ است و ساخت شماره (5) مرحله بازنمون^۷. انگیزه حرکت اجباری they نیز دریافت / بازبینی حالت بوده است.

2) D-structure

5) trace

3) unaccusative

6) merge/ merger

4) S-structure

7) spell out

بدین ترتیب، تناظر مشهود بین مثال‌های (1a) و (3)، یعنی بند پیرو زماندار در برابر بند پیرو بی‌زمان، که از مبانی قوی بحث ارتقا بوده است، در زبان فارسی وجود ندارد. از این رو، قائل شدن به ارتقا در این زبان به معنای نادیده گرفتن بنیان‌های نظری انگیزه حرکت گروه اسمی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و برنامه کمینه گراست. زبان‌شناسانی که در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی یا برنامه کمینه گرا پژوهش می‌کنند اصولاً به ارتقا در زبان فارسی قائل نیستند. به عنوان نمونه، دکتر سیمین کریمی در مقاله‌ای تصریح کرده که:

ساخت‌های ارتقایی در زبان فارسی وجود ندارد. فاعل بند پیرو در واقع در بند پایه مبتدا می‌شود و در جایگاه آغازین جمله در ساخت‌های به‌اصطلاح ارتقایی در این زبان ظاهر می‌شود (Karimi 1997, p. 287, fn.13).

دکتر ژیلای قمشی نیز وجود ارتقا در زبان فارسی را مردود دانسته است (Ghameshi 2001, p.33). وی، در مقاله‌ای دیگر، سازه‌های دارای را را که، پس از حرکت و به‌جا گذاشتن رد، با را ظاهر می‌شوند با سازه‌هایی که به صورت اشتقاق در پایه (یعنی در ژ-ساخت) پیش از را تولید می‌شوند و با واژه‌بست (و نه رد) هم‌نمایه می‌شوند مبتداهای گروه فعلی (Idem 1997, p. 161) می‌داند. مثال مورد نظر قمشی جمله (۶) است (نمودار شماره 48 (b) در همین مقاله قمشی یا نمودار شماره (۱۳) در دبیرمقدم ۱۳۸۴، ص ۲۳۷، که عیناً آن را نقل کرده است).

(۶) [ماشین] از [درش] را با بستم.

پیش‌تر دبیرمقدم تصریح کرده بود که ارتقا در زبان فارسی وجود ندارد (۱۳۶۹، ص ۵۸ / 1992, p.570). طبق تحلیل دبیرمقدم، فاعل (دستوری) / نهاد فعل پایه در مثال‌های (۲ الف) و (۲ ب) عنصری است با مفهوم این و، به تعبیری قدری فنی‌تر، pro ی تهی^۸ است و آنها در مثال (۲ ب) مبتداست.

یکی از استدلال‌های بسیار حائز اهمیت و قوی که فرض وجود ارتقا را در زبان فارسی مردود می‌کند نبودن مطابقه بین آنها و فعل بند پایه در مثال (۲ ب) است. اهمیت و استحکام این استدلال دوچندان می‌شود وقتی دو شق (۷ ب) و (۷ ج) را با شق (۷ الف) می‌سنجیم. در نمونه (۷ ب)، همچون (۲ ب)، فعل بند پایه با سازه پیشنهاد شده مطابقه

8) expletive / nonthematic

نمی‌کند، اما در (۷ج) همان فعل با همان سازه مطابقت کرده است. این شواهد آشکارا نشان می‌دهند که، در مورد اول، فعل به نظر رسیدن سازهٔ پیشابیند شده را فاعل (دستوری) خود تلقی نمی‌کند، اما در مورد دوم، همان فعل همان سازه را به منزلهٔ فاعل (دستوری) به حساب آورده و، از این رو، با آن مطابقت کرده است:

(۷) الف - به نظر می‌رسد که [آنها از این مسئله خوشحال باشند].

ب - آنها به نظر می‌رسد که [از این مسئله خوشحال باشند].

ج - آنها از این مسئله خوشحال به نظر می‌رسند.

اشکال اساسی دیگر مقاله مثال‌های ساختهٔ نویسنده است که دستوری دانستن تعدادی از آنها و غیردستوری تلقی کردن تعدادی دیگر، براساس شم زبانی داوران مجلهٔ دستور، قویاً مورد تردید است. این مثال‌ها مبنای تحلیل نویسندهٔ مقاله بوده‌اند. نمونه‌هایی از مثال‌هایی که نویسنده دستوری می‌داند در شماره‌های (۸) تا (۱۲) نقل شده‌اند. شمارهٔ درون قلاب در سمت چپ این مثال‌ها شمارهٔ آنها در مقالهٔ مورد بحث است:

(۸) رضا، شهرداری خانه‌اش را خراب می‌کند. [(۲۲)]

(۹) حسن، آنها ازش هیچ چیز نمی‌خرند. [(۲۳)]

(۱۰) دانشجویها او می‌دانند که همه او را می‌شناسند. [(۵۲ج)]

(۱۱) علی خود او می‌داند که او از وضع موجود ناراضی است. [(۶۰)]

(۱۲) حسن اطلاع ندارد که علی خود او را می‌داند که او از وضع موجود ناراضی است.

[(۶۲ب)]

همچنین نویسنده مثال‌های ذیل را چندان قابل قبول نمی‌داند، اما از نظر داوران مجلهٔ دستور خوش ساخت‌اند:

(۱۳) او همهٔ دانشجویها را می‌داند که او را می‌شناسند. [(۵۵)]

(۱۴) * من فکر می‌کنم که همهٔ دانشجویها را او می‌داند که او را می‌شناسند. [(۵۶)]

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹)، «پیرامون زا در زبان فارسی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، ۷، ش ۱، ص ۲-۶۰؛
 — (۱۳۸۴)، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعهٔ مقالات)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛

- DABIR-MOQHADDAM, Mohammad (1992), "On the (In)Dependence of Syntax and Pragmatics: Evidence from the Postposition '- ra' in Persian", *Cooperating with Written Texts: The Pragmatics and Comprehension of Written Texts*, D. Steis, (ed.) pp. 549-573, Mouton de Gruyter, Berlin;
- GHOMESHI, Jila (1997), "Topics in Persian VPs", *Lingua*, 102, pp. 133-167;
- (2001), "Control and Thematic Agreement", *The Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1/2), pp. 9-40;
- KARIMI, Simin (1997), "Persian Complex Verbs: Idiomatic or Compositional", *Lexicology*, 3(2), pp. 273-318.

مجلهٔ دستور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی